

واکاوی ضعف دانش آموزان مقطع دبیرستان «متوسطه دوم» در درس دین و زندگی در یک دهه ی اخیر مناطق جنوب کشور

فریده قجر^۱

۱-فارغ التحصیل دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر

چکیده

پژوهش پیش رو با هدف بررسی ضعف دانش آموزان مقطع دبیرستان «متوسطه دوم» در درس دین و زندگی در یک دهه ی اخیر مناطق جنوب کشور انجام شده است که ضرورت دارد در برنامه های درسی دین و زندگی ، ضمن پاسداری از ارزش ها و باور های دین اسلام؛ زمینه ها و فرصت هایی متناسب با تغییر و تحولات اساسی در این حوزه از دانش و معرفت بشری، فراهم کرد و از رهگذر آن دانش آموزان را برای زندگی و برنامه ریزی صحیح در عصر جدید آماده نمود.

در این مقاله به ضعف دانش آموزان در درس دین و زندگی، عوامل موثر بر تربیت دینی در مدارس، محتوای آموزشی آموزش و پرورش، معلمان و مربیان ، میزان تاثیر آموزه های دینی کتاب دین و زندگی، محیط و امکانات آموزشی و جایگاه تربیت دینی و نقش آن در آرامش روانی پرداخته شده است و در پایان با عنایت به مطالب مطرح شده، راهکارهایی جهت نزدیک تر شدن به وضعیت مطلوب ارائه خواهد شد.

واژگان کلیدی: آموزش و پرورش ، معلم ، دانش آموزان ، دین و زندگی ، تعلیم و تربیت ، محتوای آموزشی ، آموزش حضوری ، آموزش مجازی

۱- مقدمه

زندگی در جامعه‌ای که مطابق قانون اساسی، دین رسمی آن اسلام و مذهبش شیعه معرفی شده است از یک طرف، ضعف دانش آموزان در درس دین و زندگی و تربیت دینی آنها از طرف دیگر من را بر آن داشت تا با توجه به اینکه یکی از متولیان اصلی این امر خطیر وزارت آموزش و پرورش است، به بررسی موضوع ضعف دانش آموزان در درس دین و زندگی و تربیت دینی آنها بپردازم.

با گذشت بیش از دو دهه از استقرار نظام اسلامی و با وجود تلاش‌های انجام شده جهت آشنا سازی کودکان و نوجوانان با اصول و مفاهیم دینی و اخلاقی، تحقیقات انجام شده در مدارس، نشانگر آن است که مسأله آموزش دینی از وضعیت مطلوبی برخوردار نبوده، گاه با تأثیرات معکوس نیز همراه گردیده و باعث شده است تا نا کارآمدی‌های مذکور تا حد زیادی در بحران آفرینی‌ها و کاستی‌های مشاهده شده در رفتارهای دینی نسل نوجوانان و جوانان ما سهم موثری داشته باشد (باهنر، ۱۳۷۸).

از سوی دیگر در بررسی‌های به عمل آمده در زمینه‌ی آموزش دینی و کیفیت آن، می‌توان گفت وضع موجود در مدارس از جهات مختلف و به علل گوناگون از جمله برنامه درسی، نیروی انسانی و امکانات، رضایت بخش نبوده است؛ چنانچه در تحقیقات انجام شده، دانش آموزان احساس دلزدگی نسبت به درس دینی نشان داده اند (سعیدی رضوانی، ۱۳۷۳؛ حق شناس و قاسمی، ۱۳۶۸).

بنابراین، این مقاله به دنبال آن است که با توجه به تحقیقات انجام شده در خصوص وضعیت موجود ضعف دانش آموزان در درس دین و زندگی بپردازد و سپس راهکارهایی را جهت نزدیک تر شدن به وضعیت مطلوب ارائه نماید.

۲- ادبیات نظری تحقیق

۱. تربیت دینی دانش آموزان؛ اهمیتها و ضرورتها

«نقش شگفت انگیز تعلیم و تربیت در زندگی انسان بر هیچ خردمندی پوشیده نیست و تاکنون هم ضرورت آن مورد تهدید قرار نگرفته است، چرا که تعلیم و تربیت صحیح می‌تواند فرد را به اوج ارزشها برساند و به عکس، تربیت نادرست، وی را به سقوط می‌کشاند. زیرا، آدمی که آگاهیها و نیازهای خود را به طور غریزی می‌داند، در آغاز ولادتش فاقد علم و ادراک و تربیت و کمال است و به تدریج با تعلیم و تربیت مستقیم و غیر مستقیم، استعدادهای بالقوه او به فعلیت در می‌آید و رشد و کمال می‌یابد. شکوفایی استعدادها و ارزشهای والای انسانی، مبتنی بر تعلیم و تربیت است و انسان شدن انسان و وصولش به کمال نهایی، همه مرهون تعلیم و تربیت صحیح است. به همین سبب «ابوحامد غزالی» (م. ۵۰۵ ه.ق) در کتاب «احیاء علوم الدین» و «خواجه نصیرالدین طوسی» (م. ۶۷۲ ه.ق) در کتاب «اخلاق ناصری» و بسیاری از علمای دیگر، تعلیم و تربیت را «اشرف صناعات» و برترین دانشها دانسته اند.» (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۲). تعلیم و تربیت، اعم از رسمی و غیر رسمی، عمدی و غیر عمدی، نه تنها

میتواند در رشد اخلاقی، عقلانی، رفتاری و حتی جسمی فرد موثر باشد، بلکه وسیله‌ای در جهت رفع نیازهای حقیقی (اقتصادی، سیاسی، نظامی و ...) و مصالح اجتماعی به شمار می‌آید. عامل دیگری نیز در انسان دیده می‌شود که لزوم تعلیم و تربیت را در او شدت می‌بخشد و آن از ویژگی‌های تاثیرپذیری انسان و سرایت عقاید و عادات و به طور کلی فرهنگ یک جامعه به معاصران و نسل‌های آینده است.

۲. عوامل موثر بر تربیت دینی در مدارس

«عوامل بسیاری میتوانند فضای مناسب و محیط مساعد را برای تربیت دینی کودک فراهم سازند که بخشی از آنها بدین شرح اند: خانواده و پدر و مادر، نماز، مسجد، مجالس مذهبی اعم از سخنرانی، سوگواری یا اعیاد، دیدار با علمای عامل و با اخلاق و بالاخره نزدیک شدن به طبیعت و جلوه‌های الهی آن.

همه این فضاها برای پرورش مذهبی، محیط مساعدی هستند که مربی باید برای پرورش دینی از آنها بهره‌جوید.» (کیومرثی، ۱۳۸۹). باید به اهمیت نقش خانواده در ایجاد چنین معنویت و تربیت دینی در کودکان، توجه جدی شود و با ایجاد راهکارهای مختلف برای خانواده‌ها، زمینه رشد معنوی و تربیت دینی کودکان را فراهم نمود (توکلی، ۱۳۸۷). نتایج برخی از مطالعات انجام شده نیز والدین را به عنوان منبع اصلی رشد و توسعه اخلاقی کودکان برمی‌شمارند. در این زمینه، برکوویتز و گریچ^۱ (۱۹۹۸) بر نقش محوری بزرگسالان به ویژه والدین در رشد و پرورش اخلاقی کودکان، تأکید ورزیده و تاثیر رفتارهای آنان را بر رشد اخلاقی بچه‌ها مورد بررسی قرار داده‌اند. آنان در کوشش‌های خود، مولفه‌های یک کودک اخلاقی و آن دسته از رفتارهای «والدینی» را که موجب پرورش یا مانع رشد آن‌ها می‌شوند، تعریف کرده‌اند. لذا می‌توان گفت برخورداری از مهارت‌های زندگی و داشتن برنامه‌ای مناسب به عنوان یکی از نیازهای اساسی، دارای طیف وسیعی از رفتارها، منش‌ها و اخلاقیات فردی و اجتماعی است که فرد را قادر می‌سازد به اقتضای موقعیت‌های گوناگون و تعامل با دیگران، به کار گیرد و به جرأت می‌توان اذعان داشت که تربیت اخلاقی دانش‌آموزان در دوره‌های مختلف سنی و تحصیلی، یکی از ضروری‌ترین مباحثی است که در آموزش‌های خانه و مدرسه باید مورد توجه قرار گیرد تا بتوان تا حد امکان از بروز انحرافات و ناهنجاری‌های رفتاری در جامعه جلوگیری نمود. اهمیت توجه به این موضوع تا جایی است که یکی از متخصصان تعلیم و تربیت (باربا، ۲۰۰۷)، از آن به عنوان «هوش اخلاقی»^۲ یاد می‌کند. وی در نتایج حاصل از پژوهش خود نشان می‌دهد که بسیاری از نوجوانان، فاقد ویژگی‌های مربوط به هوش اخلاقی به ویژه همدلی^۳ و خودکنترلی^۴ هستند. وی اشاره می‌کند علیرغم این که این گروه از نوجوانان و جوانان از کردارهای ناپسند خود آگاهند، اما نمیتوانند در این خصوص، احساسی داشته باشند یا اعمال و رفتار خود را متوقف کنند، زیرا هرگز یاد نگرفته‌اند رفتارهای اخلاقی‌ای که مورد انتقاد قرار می‌گیرند؛ به آن‌ها در انجام کارهای درست کمک می‌کنند، و این همان چیزی است که زمینه‌های هوش اخلاقی را فراهم می‌سازد. از این رو، تأکید وی در یادگیری الگوهای اخلاقی صحیح؛ بر معلم و مدرسه است. با چنین رویکردی باید گفت که در یک جامعه اسلامی، آموزش مهارت‌های اخلاقی و دینی، سرلوحه تمامی آموزش‌ها قرار می‌گیرد و دانش‌آموزان ما به عنوان نسل فردا باید

یاد بگیرند چگونه خود را با موقعیت‌های واقعی زندگی مواجه سازند و بر اساس الگوهای دین اسلام، عمل نمایند. شایان ذکر این است که اخلاق در بالاترین مرتبه خود می‌تواند به کمال والای انسانی منجر شود و قاعدتا دین، پاسخ‌گو و زمینه‌ساز نیل به آن است. در این صورت، اگر خواهان تجلی رفتارهای نیک و پسندیده در نسل جوان باشیم؛ بدون تردید برنامه‌های درسی می‌توانند به عنوان یکی از فرصت‌های اساسی و انکارناشدنی قلمداد شوند که دانش‌آموزان را در این امر و یادگیری آداب و رفتارهای مربوط، یاری رسانند. لذا یادگیری از طریق محتوای درسی به عنوان مهم‌ترین وسیله و مرجع و منبع آموزشی، باید بتواند عمیق‌ترین و پایدارترین نگرش‌ها و دانش‌ها را به مخاطبان خود انتقال دهد. از این رو است که گفته می‌شود بسیاری از مباحث ارائه شده در کتاب درسی، دانش‌آموزان را با دنیای خارج مرتبط می‌سازند و آن‌ها تحت شرایط منحصر به فرد به عنوان تنها امکان آموزشی، به آن می‌نگرند و چه بسا به دلیل اهمیت و ارزشی که برای کتاب درسی قائل می‌شوند، راهنمای آنان در طول زندگی قرار می‌گیرد. کتاب‌های درسی دین و زندگی در دوره متوسطه که چنین رویکردی اتخاذ کرده و آموزش مهارت‌های زندگی از ابعاد گوناگون دینی به منظور رفع نیازهای دانش‌آموزان را جزء مأموریت‌های اصلی خود قرار داده‌اند؛ از جایگاه خاصی برخوردارند و نقش مهم و کلیدی در پرورش باورها، بینش‌ها و ارزش‌های دینی نسل جوان دارند. در این خصوص اعتصامی (۱۳۸۵) توضیح می‌دهد که «دفتر برنامه ریزی و تألیف کتاب‌های درسی نظام آموزش و پرورش کشور از اوایل دهه هشتاد در تلفیق محتوای کتاب‌های قرآن و دینی تلاش نمود و حاصل این تلاش، کتابی با عنوان «دین و زندگی» تألیف شد که هم اکنون

برنامه‌های درسی (محتوای آموزشی) آموزش و پرورش

«محتوای آموزشی مجموعه اصول، مفاهیم و فعالیتهایی هستند که به کمک رسانه‌های گوناگون به دانش‌آموزان عرضه می‌شوند و فعالیتهای یاددهی - یادگیری بر اساس آن انجام می‌گیرند و این محتوا مسیر دستیابی آنان به هدفهاست. [باید توجه داشت که] بخشی از محتوای آموزشی در کتاب درسی تدوین می‌شود و بخشی در کتاب معلم قرار می‌گیرد تا دبیر به تناسب ضرورت‌های کلاس و توانایی دانش‌آموزان، آنها را طرح کند. بخشی نیز، از طریق فعالیتهایی که برای دانش‌آموزان پیش‌بینی شده است، اتفاق می‌افتد.» (اعتصامی، ۱۳۸۲). بنابراین، «مربی و معلم باید وقایع و حوادثی را که در مدرسه، کوچه خیابان پیش آمده یا حتی خبرهایی را که در روزنامه خوانده است یا مناسبت‌های تاریخی و مذهبی را به نحوی جالب با درس روز ارتباط دهد تا کودکان و نوجوانان با علاقه به مطلب توجه کنند و آنها را به دل و جان بسپارند. مثلاً به مناسبت اعیاد و عزاهای مذهبی، داستان‌هایی را که معرف اخلاق، رفتار و اندیشه ائمه معصومین (ع) است، بیان کند.» (کیومرثی، ۱۳۸۹). همچنین «محتوا و تجربیات یادگیری جدا از هم نیستند؛ وقتی که دانش‌آموزان کتابی می‌خوانند، تجربه و محتوا را با هم ترکیب می‌کنند. محتوا باید به طوری سازمان یابد که ابتدا مسائل غنی‌تر آموزش داده شود، سپس امور انتزاعی طرح گردند.» (کشاورز، ۱۳۷۸). رویداد‌های جدید جهانی، تغییرات و تحولات سریع تکنولوژی، انفجار دانش و اطلاعات، اقتصاد، فرهنگ و ...، نیازهای جدید خلق می‌کنند و زمینه‌های دگرگونی و اصلاحات نظام‌های آموزشی سراسر دنیا را فراهم می‌آورند. از این

رو عطف توجه به این نیازها از سوی صاحبان اندیشه و قلم، سیاستگذاران و کارگزاران، ضرورتی انکار ناشدنی قلمداد می‌گردد. برنامه‌های درسی، رویکردها و شیوه‌های نوین آموزش، متناسب با نیازهای جدید شکل می‌گیرند تا نسل آینده در عرصه‌های نو، حضوری آگاه و موثر داشته باشند. از این منظر، شناسایی آسیب‌های برنامه‌ها و کتاب‌های درسی در ابعاد گوناگون، به ویژه از حیث توجه به رویکردهای جدید آموزشی و تأمین نیازها و مطالبات مخاطبان خود در خصوص برنامه‌ریزی برای زندگی آینده و به منظور فراهم آوردن زمینه‌های پیشرفت و فرصت‌های توسعه، یک ضرورت جدی محسوب می‌شود. سیلور و همکاران (ترجمه خوی نژاد، ۱۳۷۷) معتقدند که «محتوای تعلیم و تربیت باید نیازهای جامعه را برای اجتماعی کردن و نیازهای اتباع جامعه برای رشد شخصی، برآورده سازد». به زعم ایشان «یکی از ویژگی‌های جامعه یادگیری این است که کل نظام تربیتی نسبت به فراگیران، پاسخ‌گو خواهد بود». از این رهگذر، امروزه نظام‌های آموزشی بر این عقیده اند که محتوای کتاب درسی به عنوان یکی از مهم‌ترین مواد آموزشی، محل بروز و ظهور اهداف برنامه درسی و پاسخ‌گوی نیازهای دانش‌آموزان است. از آنجا که عمدتاً کتاب درسی را می‌توان به عنوان تنها وسیله و منبع اطلاعاتی در دسترس نامید، اهمیت آن در تأمین نیازهای فکری دانش‌آموزان و پرورش قوای عقلانی آن‌ها، کسب تجارب و معلومات برای استفاده در شرایط واقعی زندگی و موقعیت‌های عینی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در حال حاضر، برنامه‌ریزان درسی دوره‌های مختلف تحصیلی با تعیین و کاربرد رویکردهای نوین آموزشی و پرورشی، و تعیین اهداف؛ آگاهی از مهارت‌های زندگی، مسئولیت‌های فردی و اجتماعی، حفظ ارزش‌ها و آرمان‌های ملی و اسلامی و... را جزء دغدغه‌ها و چالش‌های بسیار مهم و پیش‌روی خود می‌دانند که در تربیت نسل آینده ایران عزیز، نقش بسزایی ایفا می‌کنند و به نظر می‌رسد، بر خورده‌ای از این مولفه‌ها، نوجوانان و جوانان را برای حضور در هزاره‌ای که در عین سرشار بودن از دانش و اطلاعات، مملو از نارسایی‌های اخلاقی است، آماده سازد. ما نیز به عنوان یکی از علمای تعلیم و تربیت (به نقل از صمدی، ۱۳۸۰) معتقد است که «تنها علم، کافی نیست، بلکه به اخلاق واقعی و معنویت حقیقی نیز نیازمندیم». به عبارتی، باید گفت در نظام آموزشی‌ای که آموزش و حفظ ارزش‌ها و اخلاقیات را سرلوحه فعالیت‌هایش قرار می‌دهد؛ دین اسلام به عنوان منبعی حیات بخش، می‌تواند پاسخ‌گوی تمامی ابعاد زندگی جامعه بشری باشد. لذا توفیق در این مسیر؛ آگاهی و سواد لازم، جزء ضروریات محسوب می‌شود. در همین خصوص، پسندیده (۱۳۸۴) عواملی تحت عنوان «سواد زندگی» و «مهارت‌های زندگی» را زمینه موفق در زندگی با رویکرد تقرب به خدا و حیات جاویدان اخروی می‌داند و معتقد است که «بسیاری از ناکامی‌های زندگی به دلیل برخوردار نبودن از دانش و مهارت‌های لازم برای زندگی است. به زعم وی در این قلمرو، متون دینی - قرآن و حدیث - آموزه‌های گره‌گشا و کارآمد فراوانی دارند و شیوه‌های دین، آمیزه‌ای از شیوه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری است که به تمامی نیازهای انسان، اعم از مادی و معنوی توجه دارند و پاسخ‌گوی جامع و دقیق می‌باشند». با این توصیف، تجلی رفتارهای یک مسلمان با رویکرد الهی و پس از کسب مهارت‌های دانشی، نگرشی و عملی مربوط به این حوزه را باید به طور در هم تنیده مشاهده کرد، چرا که در دنیای واقعی افراد با آمیختگی موضوعات و مسائل سر و کار دارند نه به شکل مجزا. در تأیید این نکته، ملکی (۱۳۸۲) با حمایت از رویکرد تلفیقی چنین اظهار

می‌دارد: «چنانچه قرار باشد در آموزش مهارت‌های زندگی دینی به رویکرد تلفیقی توجه شود و رشد همه جانبه انسان مد نظر قرار گیرد، لازم است در تعیین اهداف و محتوای آموزش، تغییر یا اصلاحاتی، حاصل شود». این نوع دیدگاه از آن جهت حائز اهمیت است که متخصصان تعلیم و تربیت، در هم آمیختن موضوعات و دانش بشری را یکی از شیوه‌های جدید و موثر در یادگیری پایدار تلقی می‌کنند. در این زمینه ناکسی (۱۹۹۷) نیز معتقد است که برنامه‌های آموزش اخلاقی موثر، درون برنامه درسی به طور تلفیقی گنجانده می‌شوند تا به شکل جداگانه و به عنوان یک برنامه یا واحد درسی خاص. از سوی دیگر، طبق آموزه‌های اسلام، هدف از تربیت دینی، حضور قرآن و سیره معصومین (علیهم السلام) در متن زندگی دانش‌آموزان است. لذا با تأکید بر تعلیم مسائل دینی با روش‌های مطلوب و خاص می‌توان در دانش‌آموزان، درک و شعور دینی ایجاد کرد.

معلمان و مربیان

«وقتی از معلم دینی صحبت می‌کنیم، فکر ما به یک قاعده کلی معطوف می‌شود، مبنی بر اینکه یک معلم، صلاحیت‌های حرفه‌ای لازم را باید دارا باشد تا بتواند خوب تدریس کند. در درس دینی حال، بیش از قال و منش بیش از روش اثر دارد. روش چیزی است که به کار گرفته می‌شود. منش چیزی است که در وجود به کار رفته و نهادینه شده است. این منش دبیر دینی است که انقلاب ایجاد می‌کند نه روش او» (ملکی، ۱۳۸۲).

مسلم است که بار اصلی تربیت دینی دانش‌آموزان در مدرسه بر دوش دبیران دینی است. در واقع، نقش معلمان دروس دینی و قرآن در رشد اجتماعی و تثبیت باورهای دینی دانش‌آموزان بر کسی پوشیده نیست. معلمان با شخصیت مطلوب خود یعنی رفتار و اخلاق پسندیده و برخورداری از سازگاری اجتماعی می‌توانند موجب تفاهم و ارتباط دو جانبه با دانش‌آموزان شوند و افزون بر رفع مشکلات آنان، در رفتار ایشان نیز تاثیر مطلوب بگذارند (شعاری نژاد، ۱۳۷۲). // در منابع ۱۳۸۰ است //

با توجه به هدف تعلیم معارف دینی، می‌توان به این شرط مهم رسید که معلم دینی افزون بر آنکه باید اعتقادی راسخ به حقایق دینی داشته باشد، باید انگیزه باورمند کردن دانش‌آموزان را نیز در دل داشته باشد؛ نه آنکه تنها هدفش از تعلیم کتاب دینی فقط انتقال مفاهیم آن باشد؛ البته باید توجه کرد که این هدف غیر از آموزش درست و کامل مفاهیم به دانش‌آموزان است که باید هدف همه معلمان رشته‌های درسی باشد. هر معلمی باید انگیزه آموزش به دانش‌آموزان را داشته باشد؛ زیرا با نبودن یا ضعف چنین انگیزه‌ای، معلم دل به آموزش نمی‌دهد و انتقال مطالب به طور کامل صورت نمی‌گیرد؛ ولی انگیزه آموزش دادن درست غیر از انگیزه معتقد کردن است. معلم دینی باید متدین کردن دانش‌آموزان را هدف اصلی خویش بداند و با این انگیزه تدریس کند. او باید رشد و تعالی روحی-معنوی دانش‌آموزان را به اندازه‌ای دوست بدارد که از درون، با کوشش برای تأمین این مقصود وادار شود. از معلمی که خود معتقد است، ولی انگیزه‌ای برای معتقد کردن دیگران ندارد، توقع تربیت دانش‌آموزان معتقد و دیندار بیجاست (شریف زاده، ۱۳۸۶).

در این زمینه شاطریان و سلطان عینی (۱۳۸۵)، می نویسد: معلمان و مربیان دروس دینی وظیفه ای بس خطیر در زمینه جلب توجه و علاقه مندی دانش آموزان به عهده دارند؛ زیرا مسئولیت تربیت دینی دانش آموزان به طور مستقیم بر دوش ایشان سنگینی می کند و دانش آموزان ایشان را همواره به عنوان الگوی قداست و دین داری می شمرد؛ از این رو باید به ویژگی های فردی و حرفه ای دبیران دروس دینی و قرآن و همچنین شیوه های تدریس این دروس در مدارس توجهی ویژه شود.

اخلاق شایسته معلمان دینی و اولیای امور تربیتی اثر بسیار مطلوبی در ایجاد انگیزه و رغبت دانش آموزان به مسائل دینی دارد. طرح این مطلب به این دلیل اهمیت دارد که معلم دینی با روح و روان دانش آموزان ارتباط دارد. اعتقادات هر کسی عامل اصلی اخلاق و رفتار فردی و اجتماعی اوست و معلم دینی شخصیتی است که این اعتقادات را در ذهن دانش آموز شکل می دهد. بنابراین، حسن رفتار، اخلاق خوش، شخصیت قوی، آگاهی از مسائل تربیتی و نیز آشنایی به فن معلمی اساس انتخاب یک فرد به ویژه معلم دینی است. دانش آموزان معلم دینی را که به عنوان نماینده دین سر کلاس حاضر می شود با ذره بین دقیق مورد محک قرار می دهند و غیر مستقیم رفتار او به دین نسبت می دهند (محمدی، ۱۳۸۲). آموزش و پرورش باید با صرف هزینه ای حساب شده برای اصلاح کادر دینی خود بکوشد و باید از میان افراد علاقمند و تحصیل کرده که از شخصیت قوی و اجتماعی برخوردارند؛ معلمان دینی را انتخاب کند، و در غیر این صورت معلمان بی علاقه و ناآگاه دینی هر تلاشی را برای افزایش کیفیت کتب دینی کم اثر می کنند (محمدی، ۱۳۸۲). پژوهش ها نشان میدهند که شخصیت معلم دینی و نقش بی نظیر او، در تربیت دینی بسیار موثر است. مراد از نقش معلم دینی عبارت است از: رفتار های مورد انتظار و رفتار های بالفعل معلمان دینی در مدارس در چهارچوب فعالیت های نظام مند و برنامه ریزی شده نهاد های آموزشی و پرورشی به منظور اینکه بینش، منش و قالب های اسلامی را برای تحقق آن منش به دانش آموزان آموزش دهند، به گونه ای که در عمل هم به آنها پایبند باشند (داوودی، ۱۳۸۵). معلم در نظام آموزش و پرورش جایگاهی بی بدیل و تعیین کننده دارد. اگر بهترین برنامه های درسی تدوین و بهترین کتاب های درسی تألیف شوند و بهترین سیاست ها و خط مشی ها تعیین گردد؛ ولی معلمی که بتواند درست آن را اجرا کند وجود نداشته باشد، همه آنها بی فایده خواهد بود (همان، ص ۱۲۷). در واقع، بیشترین موفقیت در دروس دینی، در گرو شخصیت معلم دینی است تا برنامه درسی (حیدری و شاملی، ۱۳۸۹).

محیط و امکانات آموزشی

«هر مکان و زمان می تواند فرصتی برای تربیت دینی باشد و هر امکانی میتواند در خدمت آموزش قرار گیرد. صحنه های زیبای طبیعت، مسجد و حسینیه محله، هیئتی که با نام یکی از معصومین تشکیل شده است، کتابخانه، حیاط مدرسه، میدان بازی همه و همه میتوانند امکانی برای آموزش فراهم آورند. فضای آموزش دینی باید تا حد امکان یاد خدا و امور دینی را تداعی کند و انگیزه های دینی و معنوی را پرورش دهد.» (اعتصامی، ۱۳۸۹). «مدرسه به منزله پلی است که نوجوان را به جامعه مربوط می کند. مدرسه می تواند از نوجوان، فردی موثر، فعال و مفید به

حال جامعه تربیت کند. به این ترتیب، دستگاه تربیتی موفق، همچون پلی روشن و نورانی است که نوجوان را با دنیای جدید مرتبط و آشنا می‌کند. (شرفی، ۱۳۸۶). «کار مدرسه در آموزش دانش آموزان و انتقال برخی مفاهیم علمی و کلاسیک به آنان خلاصه نمی‌شود، بلکه این نهاد مسئولیت سنگین تری نیز به عهده دارد که عبارت است از تربیت معنوی و اخلاقی دانش آموزان و پیشگیری از وقوع انحراف و فساد میان آنان.» (حیدری و شاملی، ۱۳۸۹). «دانش آموزان برای یادگیری نیاز به محیط مناسبی دارند. راهکارهای کلی و مناسب برای ایجاد این محیط؛ استفاده از روش توانمندانه- که از دانش آموزان اندیشمندان و اهل عمل مستقل می‌سازد- و مدیریت موثر فعالیتهای کلاسی- که به دو روش مدیریت مستبدانه و سهل انگارانه کلاس تقسیم میشود- است.» (سانتراک، ۱۳۸۷).

۳. جایگاه تربیت دینی و نقش آن در آرامش روانی

«تنها راهی که برای نجات از اضطراب، افسردگی و دردهای جانکاه انسان باقی می‌ماند، یاری جستن از ایمان و باور دینی است.» (دادفر، ۱۳۸۶). پیرامون آثار مذهب بر سلامت روانی می‌توان به سخن "بنیامین راش" به عنوان پدر علم روانپزشکی اشاره کرد. او اظهار می‌داند که نقش مذهب در سلامت روانی انسان همانند اکسیژن برای تنفس است. افراد متدین به هر نسبت که ایمان قوی و محکم داشته باشد از بیماری روانی مصون تر هستند. از جمله اثرهای ایمان دینی، آرامش خاطر است. ایمان دینی به حکم اینکه به انسان که یک طرف معامله است، نسبت هیجان که طرف دیگر معامله است، اعتماد و اطمینان می‌بخشد، دلهره و نگرانی نسبت به رفتار جهان را در برابر انسان از میان می‌برد و به جای آن به او آرامش خاطر می‌دهد. (کریمی و همکاران، ۱۳۸۵).

بنابراین، آموزش دینی باید متناسب با نیازهای روحی و روانی دانش آموزان و قابل فهم و درک برای آنها باشد. بدین منظور باید مطالب با زبان مناسب کودکان و نوجوانان ارائه شوند و طوری نباشند که عده ای خاص از آنها استفاده کنند (کیومرثی، ۱۳۸۹).

3- نتیجه گیری

پژوهش حاصل به منظور بررسی ضعف دانش آموزان در درس دین و زندگی و تربیت دینی آنان انجام گرفته است. انسان از بدو تولد فاقد علم و ادراک و تربیت و کمال است و به تدریج استعداد های او شکوفا شده و رشد و کمال می‌یابد. و می‌دانیم که تعلیم و تربیت صحیح می‌تواند فرد را به اوج ارزش ها برساند.

طبق پژوهش انجام شده عوامل بسیاری بر تربیت دینی کودک موثرند؛ از جمله: خانواده، نماز و روزه، مکان ها و مجالس مذهبی که همه این فضاها برای پرورش مذهبی، محیط مساعدی هستند. عوامل دیگری مانند محتوای آموزشی، معلمان و مربیان و محیط و امکانات نقش بسزایی دارند. معلم باید وقایعی را که در مدرسه و کوچه و خیابان پیش آمده یا مناسبت های تاریخی و مذهبی مثلا: به مناسبت اعیاد و عزاهای مذهبی، داستان هایی را که

معرف اخلاق، رفتار و اندیشه ائمه معصومین (ع) است را به نحوی جالب با درس روز ارتباط دهد تا کودکان و نوجوانان با علاقه به مطالب توجه کنند (کیومرثی، ۱۳۸۹).

معلم باید انگیزه تدریس کردن را داشته باشد زیرا با ضعف چنین انگیزه ای، دل به آموزش نمی دهد و انتقال مطالب به طور کامل و صحیح صورت نمی گیرد. افزون بر آنکه معلم دینی باید معتقد و پایبند به مسائل دینی باشد، متدین کردن دانش آموزان هم باید هدف اصلی خویش بداند و با انگیزه تدریس کند.

فرزندان ما هرکدام به نوبه خود نیازمند تربیت خاص زمان خود هستند که باید در کوتاه ترین زمان و با بهترین به روزآمدترین شکل ممکن بایسته های تربیت دینی تدوین و به فراگیران ارائه گردد.

بنابراین، برای بهبود روند آموزش و تربیت دینی دانش آموزان، راهکارها و پیشنهاد های زیر ارائه می شود.

۱. توجه، بازنگری و تجدید نظر در شیوه های اجرایی برنامه «تربیت دینی» جهت برانگیختن علائق و افکار دانش آموزان (در زمینه علاقه مندی و تفکر).

تشدید فرآیند «جهانی شدن» در عصر حاضر و تأثیرپذیری جامعه اسلامی از آن از یک سو تنوع و گستردگی نیاز های فراگیران-که نسل آینده محسوب می شوند و نیازمند تربیت خاص زمان خود هستند-از سوی دیگر، این نکته را ضروری می نماید تا هر زمان که احساس شود روشها و امکانات پیشین و فعلی کارایی خود را از دست داده اند یا نیازمند تجدید نظر و بررسی هستند، در کوتاه ترین زمان و با بهترین و روزآمدترین شکل ممکن، بایسته های تربیت دینی تدوین و به فراگیران ارائه گردد.

۲. الزام در به خدمت گرفتن فناوریهای پیشرفته و علوم مفید-به ویژه علم روز- در جهت پاسخگویی به نیاز های اساسی فراگیران در موضوع تربیت دینی (در زمینه پاسخگویی به نیازمندیهای اساسی فراگیران و سودمندی)

نیاز به پذیرفته شدن، نیاز به محبت، نیاز به تکریم و احترام، نیاز به انس و آرامش، نیاز به احساس عزت و افتخار و... از دغدغه های اساسی نوجوانان و جوانان امروز جامعه اسلامی است.

تقویت باور های دینی و عقیدتی این گروه، تأثیر انکارناپذیری در رشد عقلانی، اخلاقی و عاطفی آنان دارد. بنابراین، اگر مسئولان یک جامعه بخواهند در تربیت نسلهای حال و آینده آن اجتماع موفق باشند، آن هم به گونه ای که سلامت اجتماع خود را در مقابل ناهنجاریها، حوادث و شبهات بیمه کنند، چاره ای جز به خدمت گرفتن علوم روز و فناوریهای پیشرفته برای تعالی و رشد آحاد مردم ندارند، بلکه لازم است با بررسیهای کارشناسانه و بهره گیری از تجارب دیگران علوم مفید و ضروری روز را اخذ کنند و به خدمت بگیرند.

۳. ضرورت برنامه ریزی و توجه اساسی به نقش خانواده در تربیت دینی (در زمینه توجه به نقش و کارکرد خانواده در تربیت)

با توجه به تأثیر انکارناپذیر و جدی وضع فرهنگی، معیشتی و عقیدتی خانواده در تربیت فرزندان، به ویژه مسئولیت پذیر کردن فرزندان نسبت به سرنوشت خود، خانواده و اجتماع و لزوم هماهنگی برنامه های تربیتی خانواده و مدرسه، باید با آموزشهای مستقیم (انجمن اولیا و مربیان، مراکز مشاوره و...) و غیرمستقیم (کتابهای مربوطه، رسانه های جمعی و...) و توجه بیشتر مسئولان به این عنصر مهم اجتماعی، در درجه اول آن را هماهنگ و همگام با برنامه های تربیتی مدرسه ساخت و سپس به برطرف نمودن تضاد های منفعل کننده و آسیب زای این دو عنصر حیاتی در موضوع تربیت دینی پرداخت.

مراجع

۱. نقد و ارزیابی کارکرد فعلی آموزش و پرورش در تربیت دینی، تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت، سعیدی، رضوانی، محمود ۱۳۷۳
۲. بررسی نظرات مؤلفان کتب دیدنی دوره متوسطه، دبیران دینی و دانش آموزان چهارم متوسطه تهران، دانشگاه علوم تربیتی دانشگاه تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد. کشاورز، سوسن ۱۳۷۸
۳. شاخص ها و آسیب های تربیت دینی دو فصلنامه تربیت اسلامی ۱۳۹۳، ۳، کیومرثی، غلامعلی ۱۳۸۹
۴. مبانی و اصول تربیتی تفاوت آن با تعلیمات دینی کتاب دین و زندگی (چاپ هشتم) انتشار مدرسه دادفر، محبویه ۱۳۸۶
۵. بررسی نقش دین در بهداشت روانی و فرایند روان درمانی خبر گذاری فارس ۲۱ دی ماه، سانتراک و جان دایبر ۱۳۸۷
۶. روانشناسی تربیتی ترجمه شده سعید و مهشید عراقچی و حسین دانش فر چاپ اول موسسه خدماتی فرهنگ رسا
7. Barrow, J (1988). *The World within the World*, Oxford: Clarendon Press.
8. Byl, John (1996). The Role of Belief in Modern Cosmology, in *Facets of Faith and science*, edited by Jitsem Rander meer, the Pascal Centre for Advanded Studies in Faith and Science, V. 3, Redeener College, Ontario.
9. C.I.J.M. Stuart & Tom Settle (1996). Physical Laws as Knowlwdge, , in "*Facets of Faith and Science*", edited by Jitsem Rander Meer, The Pascal Centre for Advanded Studies in Faith and Science, V. 3, Redeener College, Ontario.
10. Davies, J. J. (1968). Ellis, George (2001). Are there limitations to Science, printed in: *On the Scientific Method*, London, Longman. *God for the 2 st Century*, edited by Russell stannard, London. SPCK.
11. Heller, Michael (1969). *The New Physics and a New Theology*, Vatican: Vatican Observatory Publication.
12. J. Morris, Katherine (2008). *Sartre*, Blackwell Publishing, USA.
13. Peters, Ted, 1990, *Cosmos as Creation*, Abingdon Press.
14. Richardson, W, Mark (1996). *Religion and Science: History, Method and Dialogue*,